

## بررسی تطبیقی جایگاه زن در دین جاینیزم و دین بودا

### مطهره مشهدی منصوری

کارشناسی ارشد ادیان و عرفان اسلامی-آموزش و پرورش ناحیه ۲ زاهدان

---

#### چکیده

زن به عنوان یکی از محورهای مهم نظام اجتماعی هند، نقش قابل توجهی را در فراز و نشیب تاریخ هند داشته است. اما آیا با تحولات دینی و ایجاد مکاتب گوناگون اجتماعی، جایگاه زن دستخوش تغییراتی گردیده است؟ بررسی متون پالی و سانسکریت و آموزه‌های بودائی، گفتمان‌ها و انضباط راهبان و همچنین تعالیم ریاضت‌گونه دین جین، نشان از تحول اساسی و بنیادینی است که نظام اجتماعی هند را با نوعی جهان‌بینی متفاوتی از زن مواجه ساخته است. وضعیت زن در این دو دین با آنچه که در تاریخ کهن هند و آثار عصر ودائی مشاهده می‌شود، جریان متفاوتی را دنبال می‌کنند. در این دو نظام فکری از یک طرف زن مقام و جایگاه ارزشمندی دارد و از طرف دیگر جایگاهی پایین و پست تا جایی که در چرخه تولد ثانوی است. هدف پژوهش این است که جایگاه اجتماعی مرتبط با زنان را در ادیان بودایی و جاینیزم، بررسی کند. پژوهش حاضر که از نوع توصیفی و مطالعات تاریخی است، به روش کتابخانه‌ای انجام شده است؛ بودیسم و جاینیزم از نظر پیشرفت فکری و عقیدتی، در آخرین مرحله تکامل یافته در آیین بودا به شمار می‌روند. قبل از بررسی مذهب بودا در خارج از هندوستان و وضعیت حال حاضر زنان در این مذهب، خلاصه‌ای از نگرش آیین بودا به زن را جمع‌بندی می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: زن، دین بودا، دین جاینیزم

---

## ۱- مقدمه

اهمیت دین و مذهب به عنوان جهت‌دهنده زندگی انسان انکارپذیر نیست؛ تاریخ نشان داده است که گزینش صحیح یا اشتباه یک مسلک فکری و عمل به آن، نتایج سرنوشت‌سازی در بردارد. دین یک برنامه زندگی است، پس نباید انتظار داشته باشیم که موضوع آن فقط امور معنوی و انتزاعی باشد. سعادت و شقاوت آدمی در متن زندگی و روابط او با دیگران رقم می‌خورد. کیفیت رابطه ما بسته به این است که حقوق و جایگاه فردی و اجتماعی خود و دیگران را چگونه ارزیابی کنیم. ما می‌دانیم که بین مرد و زن برای ایجاد رابطه، کشش غریزی وجود دارد، اما نمی‌توان جایگاه و روابط مرد و زن را با معیار غریزه سنجید. از این رو، انسان همواره در تلاش بوده تا هم با تعقل و تجربه و هم با نگرش به ادیان و نحله‌های فکری، شأن وجودی و حقوقی خویش را باز نماید و در این روند زن به عنوان نیمی از آفرینش انسان، مستثنا نبوده است. اگرچه قصد بررسی جایگاه زنان در مذهب بودا و جاینیزم و مقایسه آن‌ها را دارد، اما در آغاز هر فصل توضیح مختصری از هر دین ارائه شده است تا خواننده با اصول دین بودا و جاینیزم آشنا باشد. و با خواندن آن بادیگاه بنیان‌گذاران و پیروان هر دین نسبت به زن آشنا می‌شویم و نیز در می‌یابیم که اعتقادات عرف جامعه هر عصر تا چه حد با آموزش‌های آن دین مشابهت یا مغایرت دارد.<sup>۱</sup>

در سیر تحول تاریخ ادیان هند، شرایط زنان در دین جاینیزم و دین بودا بر مبنای اعتقادات، دستخوش تحولات بنیادی گردیده است. و با وجود اینکه راهبان بودایی اظهار می‌کنند که تعلیمات بودا بدون هیچ‌گونه استثنا تمایزی بین زن و مرد قائل نشده است،<sup>۲</sup> اما این به معنای برابری اجتماعی جایگاه زنان و مردان نیست بنابراین ما در دین بودائی با چندین نظریه متفاوت درباره زنان مواجه هستیم که بخشی به متون مقدس آن‌ها برمی‌گردد و برخی به رفتارها و دستورات راهبان دینی. البته این نگرش را ما نیز در دین جاینیزم مشاهده می‌کنیم اما تفاوت اساسی این دو دین در کارکردهای اجتماعی زنان تبلور یافته است که حتی متون دینی توسط آنان تفسیر و تحلیل می‌شود، چنان‌که مسئله سمساره یا تناسخ زنان در هر دو دین جنبه‌های متفاوتی دارند. البته باید متذکر شد که فرقه‌های گوناگون در هر دو دین بر وضعیت زنان نیز تاثیر بسزایی داشته است چنان‌که در دین جاینیزم جایگاه زنان پس از درگذشت مهاویره دو تفکر به وجود آمد که باعث ایجاد دو شقاق شد و عمده اختلاف این دو گروه درباره جایگاه زنان و اختلافاتی در مورد ویژگی‌های زندگی راهبان بود به همین دلیل بر آنیم تا در فرآیند این تحقیق به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

تعالیم دینی وضعیت و جایگاه زنان را در دین جاینیزم و دین بودا چگونه تبیین نموده‌اند؟

وضعیت اجتماعی زنان در جامعه جاینیزمی و بودائی چگونه است؟

نظریه‌ها و نهضت‌های اصلاحی در جهت بهبود جایگاه زنان در این دو دین تا چه اندازه موثر بوده‌اند؟

## ۲- مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

درباره جایگاه زن در ادیان مقالات و کتب اندکی به نگارش درآمده است که غالباً به صورتی پراکنده و غیر منسجم دیده می‌شود و به مقایسه دو دین بودا و جاینیزم بطور مستقل هیچ کتابی به چاپ نرسیده است. مقاله «زن، خانواده و ازدواج در

<sup>۱</sup>Alsdorf, 1974.

<sup>۲</sup>Bartholomeusz, 1998

آیین بودا» از حسین علی جعفری<sup>۳</sup> و «تاریخ ادیان جهان»<sup>۴</sup> از جان بایر ناس به چاپ رسیده است اما تاکنون بررسی دقیقی درباره جایگاه زنان در این دو آیین صورت نگرفته است و از آنجایی که زنان نیمی از جامعه و خانواده‌اند اداره جامعه بدون مشارکت زنان همچون مردان غیرممکن است بررسی تطبیقی و تحلیلی جایگاه زنان براساس آموزه‌های متون مقدس این دو مذهب برای فهم این تعالیم به مخاطب کمک می‌کند و همچنین به منظور تبیین موضوع زنان به عنوان مسئله جدی در دنیای ادیان که چقدر متنوع و گسترده است می‌تواند گام بنیادی برای اصلاح نگاه و تفکر بشر به زنان داشته باشد و با ورود به این قلمرو این خلاء را مرتفع کرده و با انجام تحقیقی شایسته به بررسی این موضوع پرداخته شده است.

در بررسی جایگاه زنان در آیین بودا و جایگزین مقالات و کتاب‌هایی وجود دارد که به صورت جداگانه نگاشته شده است اما به لحاظ تطبیقی تاکنون وجود ندارد به همین خاطر سعی ما براین بوده است که با بررسی این موضوع از این منظر به وجه شباهت‌ها و اشتراکات این دو آیین بپردازیم.

## ۱-۲ زن در دوره بودیسم

دو حکایت مشهور در ادبیات بودایی وجود دارد که تا اندازه‌ای جایگاه زن را در چند صد سال اول دوره بودیسم نمایان می‌کند. در حکایت اول می‌خوانیم که بودا چگونه تصمیم به ترک خانه و خانواده خویش می‌گیرد و در حالی که همسر و فرزند نوزادش در خواب بودند، مدتی به آن‌ها چشم می‌دوزد و سپس بدون خداحافظی آن‌ها را ترک کرده، همچون یک تارک دنیا در پی روشن شدگی و فرزانگی روان می‌شود. حکایت دوم داستان فرزانگی بودا بعد از پنج سال دوری از خانه است؛ و در همان دوره است که بودا با دیدن علاقه مفرط زنان به آیین جدید، آن‌ها را رسماً به سبک نوین زندگی، که همان راهبه شدن و ترک دنیاست، مفتخر می‌کند. خاله بودا، که از اوایل کودکی او را بزرگ کرده بود، همراه پانصد زن دیگر نزد وی می‌آیند تا طریقه زندگی راهبانه را، که پیش از این فقط مردها در انتخابش مجاز بودند، فراگیرند. بودا ابتدا با خواسته آن‌ها مخالفت می‌کند. اما آن‌ها پس از چندی، بر درخواست خود پافشاری می‌کنند. اصرار زن‌ها باعث می‌شود که آناندا، (خدمتکار شخصی بودا)، درخواست آن‌ها را نزد بودا مطرح کند. آناندا از بودا سؤال می‌کند که آیا زنان نیز همسان مردان قابلیت انجام ریاضت‌های روحانی را دارند؟ بودا پاسخ می‌دهد که زنان نیز ظرفیت زندگی راهبانه را دارند. بنابراین آناندا پیشنهاد می‌دهد که اگر زنان قابلیت این را دارند که از مزایای معنوی بی‌خانمانی و زندگی راهبانه بهره‌مند شوند، پس باید مجاز باشند که آیین مقدس را فراگرفته، به عنوان رهروان زن راهبه شوند. بودا موافقت می‌کند، به این شرط که زنان رهرو هشت قانون ویژه را بپذیرند؛ بر اثر این قوانین ویژه تعلیمات و طریقه زندگی راهبه‌ها به طریقه رهروان مرد و جزء مادون آن وابسته شده است. بعضی محققان با خواندن این شرح حال‌ها، معتقدند که آیین کهن بودایی نسبت به زن نگرش منفی داشته، مبلّغ زن‌گریزی بوده است؛<sup>۵</sup> اما در جامعه بودیسم کهن هندی چنین نگرشی وجود نداشته است. به طور کلی در آیین و رسومات کهن، خود وابستگی و تعلق خاطر، جدا از آنچه که ترک می‌شود، به عنوان مانع اساسی در پرورش روح و روان تلقی می‌شده است. سؤال دیگری که ممکن است به ذهن خطور کند، این است که چرا بودا نخست در مقابل درخواست زنان که همچون مردان خواستار زندگی راهبانه و

مجله: «تحقیقات مدیریت آموزشی» تابستان ۱۳۹۲، شماره ۶۶

تاریخ جامع ادیان / جان بایر ناس؛ مترجم علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.<sup>۴</sup>

<sup>۵</sup>Bartholomeusz

<sup>۶</sup>Clémentin, 1981

ترک دنیا بودند، مقاومت کرد؟ چرا بودا خود مشوق زنان در ترک زندگی خانه‌داری نبود؟ چرا تعلیمات و روش زندگی راهبه‌ها را با قوانین هشت‌گانه ویژه مشروط کرد؟ و بالأخره اینکه چرا بودا پیش‌بینی کرد که مذهب بودیسم به دلیل پذیرش و حضور زن‌ها به عنوان رهرو، به جای هزار سال، فقط پانصد سال دوام خواهد آورد؟<sup>۷</sup> پاسخ دادن به این سؤال‌ها آسان نیست و از بعضی جهات نمی‌توان با قطعیت برای آن‌ها پاسخی یافت. آنچه که با اطمینان می‌توان گفت، این است که متون کهن بودایی نشان می‌دهند که بودیسم در آغاز، گرچه زن‌گریز یا منزجر از زن نبوده، گرایش مردسالاری یا پدرسالاری در آن مشهود است. می‌توان حدس زد که بودا از این واژه داشت که تأیید زندگی مرتاضانه برای زنان، به عکس‌العمل شوهران و پدران دخترهایی منجر شود که زندگی زاهدانه پیش گرفته‌اند و مسئولیت‌های خانه‌داری خویش را رها کرده‌اند؛<sup>۸</sup> همچنین از شایعه‌هایی می‌ترسید که ممکن بود درباره روابط رهروان مرد و زن بر سرزبان‌ها بیفتد. بسیاری برای رسیدن به رهایی، آرامش و آزادشدن از گردونه وجود، خانه خویش را ترک کردند. در این میان زن‌هایی بودند که به دلیل شایستگی در انجام اعمال مذهبی، از آنان تقدیر شد. حکایات و اشعار این زنان در متون تری‌گاتا؛ یکی از مشهورترین و شناخته شده ترین متون در ادبیات مذهبی جهان، ذکر شده است. زنان در این اشعار، آواز لذت‌رهایی از وابستگی‌ها و غم‌های پیشین را سر داده‌اند و آزادی از قیدهای همیشگی جنسیت را به عیش نشسته‌اند. اگرچه بودا در ابتدا با راهبه شدن زن‌ها مخالفت کرد، آنچه که تاریخ‌دانان بودایی درباره نقش زن در بودیسم بر آن تأکید می‌ورزند (کورت؛ ۱۹۹۱: ۶۵۵)، داستان‌هایی است که درباره سرگذشت زن‌های بزرگ در دوره آغازین این آیین روایت شده است. اگر محققان و طالبان مذهب بودیسم درباره این زن‌های نمونه تحقیق کرده، آن‌ها را بخوبی بشناسند، می‌توانند چهره کامل‌تر و متعادل‌تری از نقش زن در بودیسم کهن هندی به دست آورند. با گذشت زمان، تعلیمات و طریقه زندگی رهروان زن در هندوستان یا مناطق دیگر جهان بودیسم، هرگز همپای تعلیمات رهروان مرد پیش نرفت (کورت، ۱۹۹۱: ۶۵۵).

حدوداً پانصد سال پس از آغاز دوره آیین بودایی، مکتب دیگری از بودیسم به نام مهاییانا به وجود آمد و در کنار مکتب‌های قدیم‌تر طرفدارانی پیدا کرد. شهرت بودیسم مهاییانا به دلیل تعلیمات فلسفی آن درباره تهی بودن و نقص وجود است، (بارتولومئوس، ۱۹۹۹: ۴۳) از دیگر عامل‌های شهرت این مکتب، توصیفی است که از معنای «بدی ستوه»<sup>۹</sup> ارائه می‌دهد، (بارتولومئوس، ۱۹۹۹: ۴۳). اصل بدی ستوه شدن، به جای نظریه «تلاش برای رهایی از دایره وجود در یک برهه از زمان»، به «روشن شدگی تمام و کمال» نظر دارد که در طول سالیان دراز حاصل می‌شود. اگرچه رهبانیت لاقلاً از لحاظ نظری توانست در

<sup>۷</sup>Clémentin

<sup>۸</sup>Clémentin

<sup>۹</sup>Tree Gata

<sup>۱۰</sup>Cort

در فرقه بودایی مهاییانا، کسی که به اشراق رسیده و به خواست خود در دنیا مانده تا به دیگر موجودات زنده کمک کند. بدی ستوه آزاد است که به نیروانا واصل شود، ولی تصمیم گرفته تا زمانی که موجودات دیگر به آن مرحله نرسیده‌اند از نو زاده شود. او برای مؤمنان شفاعت‌گری است که می‌توانند به درگاهش دعا کنند. گروهی از بدی ستوه‌ها افسانه‌ای و گاه با شبهه‌خدايان محلی پیوند دارند، و گروهی دیگر شخصیت‌های تاریخی، راهب یا معلم‌اند. آوالوکیتس وارا، بدی ستوای رأفت، از مقدس‌ترین آن‌هاست که دالایی لاما یکی از تجسدهای اوست. دیگری گورویی با نام رینپوچه است که در استقرار آیین بودا در تبت مؤثر بود و اکنون زادروز او عیدی سالانه است. در فرقه بودایی مهاییانا، هر شخص می‌تواند ابتدا به مقام بدی ستوایی و سپس به مقام بوداوارای دست یابد. راهب، در مراسم انتصاب، سوگند بدی ستوا یاد می‌کند. بوداییان مهاییانا بر این باورند که همه انسان‌ها سرشتی بودایی دارند؛ از این رو، همه می‌توانند به اشراق برسند و سپس بودا شوند. بدین سبب در هر معبد مهاییانا ممکن است چند تن به مقام بوداوارای رسیده باشند.

بین مردم محبوبیت پیدا کند، اما بودیسم مه‌ایانا نیز سبک زندگی عامیانه مردم را ترفیع بخشید، (بارتولومئوس، ۱۹۹۹: ۴۴-۴۳). ادبیات مه‌ایانا به طور وسیعی راوی عملکردهای مختلف زنان و استعداد معنوی آن‌ها در اعمال مذهبی است. این ادبیات حاکی از آن است که اگر زنان در بودیسم مه‌ایانا جنبشی زنانه را بنیان گذاشته باشند، می‌توان پذیرفت که لاقلاً تفکرات چنین جنبشی را در اذهان جامعه پدید آوردند. در مقابل، وقتی متون مه‌ایانا از شومی دوباره زاییده شدن زن سخن می‌گویند، بر این تأکید می‌ورزد که زنان (تحت شرایط مردسالاری) بیش از مردان زحمت مسؤولیت‌های گوناگون را به دوش می‌کشند؛ (بارتولومئوس، ۲۰۰۱: ۱۴۳). در دیگر متون مه‌ایانا این سؤال مطرح شده است که زنان در دوباره زاده شدن تا چه حد می‌توانند به ژرفای معنوی دست یابند (بارتولومئوس، ۲۰۰۱: ۱۵۰). در اکثر این متون، با این عقیده که زنان فقط با دوباره زاده شدن به ماهیت مردانه می‌توانند به ژرفای بصیرت درونی دست یابند، مخالفت شده است. در عوض، اعتقاد بر این است که زنان در همان جسم زنانه خود، به بالاترین سطح درایت و بصیرت دست یافته‌اند. کسی مانند ناگا باید مفهوم تعلیمات مه‌ایانا و رابطه آن با جنسیت را با جدیت بیشتری باز نماید تا بر همه آشکار شود که مشخصه‌های ظاهری نمی‌تواند شرط ثابت و ضروری در رهروی فرد باشد. در یکی دیگر از حکایات مشهور مه‌ایانا، می‌خوانیم که سری پوترا با زنی، که به مدت دوازده سال از تعلیمات روحانی بهره‌مند شده بود و او را «الهه» می‌خواندند، درباره فلسفه بودایی بحث و گفت‌وگو می‌کند. ابتدا زن‌ها، و در پی آن‌ها شوهران و دیگر مردان منطقه به این آیین روی آوردند. دایانا پائول در مطالعاتی درباره مجموعه سوترا انجام داده است، عنوان می‌کند که ملکه سری مالادوی یک بودا در هیئت زن است؛ چرا که او با همان تمایل زنانه خویش آیین بودا را با فصاحت تمام به دیگران می‌آموزد و در می‌یابد که خود نیز در آینده‌ای نزدیک تعلیمات آیین بودایی را تکمیل خواهد کرد. از این رو او را چنین توصیف کرده‌اند؛ «کسی که چون شیر می‌گرد». این حکایات در مقابل نظریه‌های محافظه کارانه متون مه‌ایانا که می‌گویند امیتایا رثوف، سرزمین پاکی آفریده است که دوباره زاییده شدن شوم زنان در آنجایی ندارد، شناخت بیشتری از بودیسم مه‌ایانا به ما می‌دهد (دیو، ۱۹۵۶: ۲۱۳).

سومین دوره اصلی در روند تکامل روحی معنوی آیین بودایی، بودیسم وجرایانا یا تنتریک است. در وضعیت زنان عادی به وجود نیامورد، تحت تأثیر این مکتب، مفاهیم نظری درباره زنان و جنس مؤنث تا حد زیادی متحول شد؛ این تحولات ناشی از تغییر نگرشی بود که نسبت به روابط جنسی و احساسات زناشویی پدید آورده بود. مکاتب قبل از بودیسم وجرایانا، پرهیز از روابط زناشویی را توصیه می‌کردند؛ اما این مکتب نوظهور از روابط جنسی به عنوان محرکی قوی در تلاش به سوی روشن‌شدگی یاد می‌کند (دیو، ۱۹۵۶: ۲۱۴-۲۱۳)، به شرط آنکه انجام اعمال زناشویی با آگاهی و وابسته نشدن صورت گیرد نه در شهوت کورکورانه. مهمترین بُعد دنیای معنوی و پدیده‌ای، در خصوصیات مرد و زنی که با هم جفت شده‌اند (فالك، ۱۹۸۰: ۲۱۰)، تعریف می‌شود. این خصوصیات در زن، چون آشکاری حرف‌صدا دار، وضوح رنگ سرخ، ثبات و درخشندگی آفتاب، حجم فراگیرنده فضا یا تهی، تیزهوشی خرد و به عنوان نیمه چپ بودن این اتحاد تلقی می‌شود. در مقابل، خصوصیات مرد، چون تشریح‌کنندگی حروف بی‌صدا، ویژگی زمینه‌ای رنگ سفید، بازتابندگی نور در ماه، شکل‌های پدید آمده در فضا، همسان‌پذیری شفقت و به عنوان نیمه راست بدن تلقی می‌گردد. از جمله مواردی که اگر رعایت نشود مایه زوال خواهد بود، پیمان چهاردم است که می‌گوید. چهاردهمین مایه سقوط رهرو، انکار فضیلت و خرد زنان است. چرا که زنان مظهر ذکاوت و

Deo

Falk

شونیاتا<sup>۱</sup> هستند. بنابراین، نکوهیده دانستن زنان به هر شکلی، و انکار فضایل معنوی و خصوصیات پسندیده آن‌ها و عقیده به پلیدیشان مایه سقوط خواهد بود. گرچه این دستور، طرز نگرش مذهبی و اجتماعی اصیل بودیسم نسبت به زن است، با بسیاری از اعتقادات عامیانه مردم بشدت منافات دارد. هنوز هم بیشتر مردم معتقدند دوباره زاده شدن زنان نسبت به مردان، مایه نگون بختی و بی منزلتی است. معادل تحت اللفظی کلمه «زن» در زبان تبتی معنی «فرومایه متولد شده» می‌دهد. در بعضی از حکایات، شخصیت اصلی، یک سیدای مؤنث است و کوشش‌ها و ریاضت‌های او محور اصلی داستان را تشکیل می‌دهد. گرچه چنین شخصیت‌هایی نسبت به همتای مذکر خود بسیار نادرند، اما آن عده قلیل از زنانی که زندگی مرسوم را رها کرده، به پرورش معنویات پرداخته‌اند، هم‌تراز سیداهای مرد محترم هستند. ولی شرایط سیدا شدن برای زنان مشکل‌تر از شرایط مردها نبوده است. بنابراین بودیسم و جرایانا مانند بودیسم مهاییانا به این اصل معتقد است که «درما نه مذکر است و نه مؤنث.» صاحب نام‌ترین سیدای زن، که احتمالاً تنها زن بسیار مشهور در تاریخ بودیسم به شمار می‌رود، یشی تسوگیل است. بودیسم و جرایانا از نظر پیشرفت فکری و عقیدتی، آخرین مرحله تکامل یافته بزرگ در آیین بودا به شمار می‌رود. با گسترش آیین بودا از هند به دیگر نقاط آسیا، پیشرفت‌های فکری جدیدی در این آیین شکل گرفت؛ اما هیچ یک از آن‌ها نتوانست به عنوان یک مکتب نوین بودایی چنان‌که در روند تحول بودیسم کهن هندی به مهاییانا و سپس به وجرایانا مشاهده کردیم، استقرار یابد. علاوه بر این، در چنین جنبش‌های غیرهندی، تحول شایان ملاحظه‌ای در وضعیت زنان و نقش آنان در مذهب بودیسم رخ نداد. (گوناسکرا؛ ۱۹۸۶: ۸) قبل از بررسی مذهب بودا در خارج از هندوستان و وضعیت حال حاضر زنان در این مذهب، بد نیست خلاصه‌ای از نگرش آیین بودا به زن را جمع بندی کنیم. می‌توان دیدگاه بودیسم نسبت به زن را سه نوع جمع‌بندی کرد. جمع بندی نخست که به تمام دوره‌های بودیسم تعمیم‌پذیر است، دست کم شامل دو دیدگاه متفاوت بوده، که هیچ‌کدام نتوانسته است بر دیگری کاملاً فایق آید. در بعضی از متون بودایی مشاهده می‌شود که نگرش نسبت به زن کاملاً منفی است و حتی آشکارا احساس زن‌گریزی یا تنفر از زن القا می‌شود. لازم به یاد آوری است که زن‌گریزی با مردسالاری متفاوت است. (گوناسکرا؛ ۱۹۸۶: ۸). بودیسم تمایل دارد در زندگی روزمره کشورهایی که ریشه دوانده‌اند ادغام شود. جشنواره‌های بودایی ابعاد مذهبی، اجتماعی و تاریخی دارند و در بعضی از کشورها (به عنوان مثال نپال) این جشنواره‌ها بسیار زیاد و بسیار رنگارنگ است. اوج تقویم بودایی در کشورها روز بودا<sup>۲</sup> و تراوده<sup>۳</sup> است، زمانی که تولد، و درگذشت بودا جشن گرفته می‌شود. این حالت به طور کلی در روز ماه کامل ماه مه هر سال رخ می‌دهد. مرگ همسران و همسررداری متعاقب آن تأثیر جدی بر تعادل روانی افراد و تعادل اجتماعی خانواده‌های بیوه‌ها بودایی داشت. همه بیوه‌ها بودایی در وضعیت روان‌شناختی و عملکرد خانواده خود

### §honiata

دوکه یا رنج، به عنوان مهمترین آموزه ی آیین بودا، در طی تاریخ و در مکاتب مختلف آن، از حیث واقعیت رنج، و راه نجات از آن روندی متفاوت را<sup>۴</sup> پیموده است. بدین گونه که رنج در آموزه های نخستین بودا در قالب چهار حقیقت شریف، بسیار پررنگ و مؤکد است و با محوریت آن، نظام فلسفی و عقیدتی خاصی را بعدها، به خصوص در سنت تراوده، شکل می‌دهد. اما در سنت مهاییانه، این آموزه مانند بسیاری از باورها چون کرمه، سمساره، نیروانه و... تحت الشعاع آموزه ی دیگری به نام شونیاتا یا تهیگی قرار می‌گیرد، و سرانجام این آموزه با اصطلاح ووسین یا نه ذهن در ذن - به عنوان یکی از شاخه های مهاییانه به خصوص در خاور دور جایگاه وسیع تری یافته و واقعیت رنج در آن رنگ می‌بازد. به دنبال آن تحولاتی در شیوه های عملی و راه نجات از رنج نیز در شاخه های این مکتب ایجاد می‌گردد.

### ¶Goonasekera

### ¶WESAK

### ¶Theravada

درجاتی از عدم تعادل را تجربه کرده بودند. حتی رفاه جسمی همسران بیوه و اعضای خانواده آن‌ها نیز به دلیل عزاداری همسرانشان مختل شده بود. دوره بین بیوه شدن و سازگاری مناسب با بیوه و در نتیجه بازگشت به حالت عادی برای بسیاری از بیوه‌های جوان بسیار تعیین کننده بود زیرا آن‌ها با مشکلات مختلفی روبرو شده بودند (هارلان، ۱۹۹۲: ۹۵). اکثر آن‌ها احساس رنج و شکنجه شوهر را به عنوان یک از دست رفته کامل در آینده با تمام رویاهایی که با شوهر دیده بودند احساس کرده بودند. این احساس "از دست دادن کامل" توسط برخی از زنان بیوه بودایی به عنوان یک شکست جدی در زندگی درک شده است. چنین تصویری در میان کسانی که برای تحقق اهداف زندگی در جامعه مصرف گرایانه آشکار مدرن با دیگران کار می‌کردند، پیدا شد. سقوط زندگی با تمام رویاها ضربه جدی و تحمل ناپذیری بود برای طراحی آینده‌ای که با همسرانشان ترسیم کرده بودند. کسانی که بچه‌دار بودند خیلی جدی‌تر از آن‌هایی که بچه نداشتند احساس کرده بودند (جاینیزم، ۱۹۹۹: ۱۵۸۵). همانطور که ۶۲٪ از نمونه بیان کرد، پس از سه ماه از مرگ شوهر (یا دانستن مرگ شوهر که مرگ او برای مدتی نامشخص بود)، بیوه‌ها بودا توانستند تعادل روانی خود را تثبیت کنند. غم و اندوهی که از مرگ همسرانشان در میدان جنگ احساس می‌کردند، از چند ماه قبل غیرقابل تحمل بود. در بعضی موارد، زنان بیوه بودا در مورد عزاداری همسران خود مطمئن نبودند زیرا تابوت‌های میخ دار را به آن‌ها تحویل داده بودند تا دستور باز نشوند زیرا جسد در موقعیتی برای نمایش نبود. وضعیت عدم اطمینان برای برخی از زنان بیوه ماه‌ها باقی ماند و دوره رنج و اندوه را طولانی کرد (جاینیزم، ۱۹۹۹: ۱۶۱۰). فرصت سازگاری با بیوه شدن. درک همسران از این مشکلات و تغییر رفتار توسط سه عامل اصلی تنظیم می‌شود. اولین عامل قانونی است که بر رفتار آن‌ها حاکم است و فرصت موجود برای ازدواج مجدد را محدود می‌کند قانون سابق بودا به زنان بیوه اجازه ازدواج مجدد را می‌دهد. (جاینیزم، ۱۹۷۹: ۲۵۰). در غرب، راهبه‌های بودایی همیشه خود را "راهبه" نمی‌دانند، و ترجیح می‌دهند خود را "رهبان" یا "معلم" بنامند. اما "راهبه" می‌تواند کارساز باشد. کلمه انگلیسی "راهبه" از راهبه انگلیسی قدیمی آمده است، که می‌تواند به یک کشیش یا هر زنی که تحت نذورات مذهبی زندگی می‌کند اطلاق شود (کامکوماراناندا؛ ۱۹۹۸: ۹). زنان غیر روحانی بودا با سانگا<sup>۱</sup> مقرر شده رابطه نزدیک دارند و از معابد و صومعه‌ها حمایت مادی و اقتصادی می‌کنند. برخی از آن‌ها در معابد کار می‌کنند، به عنوان مثال، تمیز کردن محل، غبارروبی تصاویر بودا، ترتیب گل‌ها، آموزش، کمک به جشن‌ها و غیره. در جوامع سنتی آسیای جنوبی قبل از تولد نوزاد، مادر و پدر ممکن است برای دریافت برکت سنگا از معبد دیدن کنند. پس از تولد نوزاد، خانواده ممکن است برای دریافت نعمت دوباره به معبد مراجعه کنند. در این روزگار، وقتی کسی در مورد عفاف می‌شنود، ممکن است به پرهیز، فروتنی و تجرد فکر کند. کسانی که این کارها را انجام می‌دهند از برخی جنبه‌های جنسی محافظت می‌کنند. آن‌ها در مقابل جنسی شدن بیش از حد که در فرهنگ آمریکایی اتفاق می‌افتد مقاومت می‌کنند و به دلیل آن گاهی اوقات تحقیر می‌شوند (کلتینگ، ۲۰۰۱: ۶۴۸). پاکدامن بودن لزوماً به معنای دوری از رابطه جنسی نیست. عفت، رفتار جنسی زن و مرد است که مطابق با موازین اخلاقی دین و فرهنگ آن‌هاست. در بسیاری از ادیان، اقداماتی که ماهیت جنسی دارند، در خارج از ازدواج ممنوع است (کلتینگ، ۲۰۰۱: ۶۴۸). برای راهبان و افرادی که ازدواج نکرده‌اند، عفت قاره است. برای متأهل به معنای خویشتن‌داری متناسب با پیشرفت فرد در مسیر است. در صورت نیاز به تغییر، فرد باید در عمل

---

<sup>۱</sup>Kamkumarananda

<sup>۲</sup>Sangha

<sup>۳</sup>Kelting

خود با تأمل در آنچه باعث اقدام در وهله اول شده است، تأمل کند. سپس تغییر باید در جهت از خودگذشتگی و خیرات پیش رود.

وضعیت و مسائل زنان بودایی در حال حاضر، در آینده مذهب بودیسم تأثیر بسزایی خواهد داشت. امروزه، مشکل قدیمی بودیسم، که همان تفاوت روش زندگی در کانون‌های رهبانیت و زندگی عادی است مورد بازبینی قرار می‌گیرد و ایجاد تغییر و نو شدن در هر دو روش ضروری به نظر می‌رسد. مسائل و مشکلات زنان در مذهب بودیسم و کانون‌های رهبانیت، نسبتاً مشخص است؛ اما این بدان معنی نیست که برطرف کردن این معضلات در جهان بودیسم به سهولت امکان پذیر باشد. اعتقادات و نگرش‌های منفی نسبت به زن، هنوز هم در جهان بودیسم وجود دارد. در طول تاریخ آیین بودا و در اکثر کشورهای بودایی معاصر، رهروان مرد نسبت به رهروان زن از احترام و حمایت بیشتری برخوردارند. در نتیجه، راهبه‌ها همواره در انجام اعمال مذهبی و کسب تعلیمات آیین با مشکل مواجه هستند. آن‌ها اغلب تحت تعلیمات جزئی قرار می‌گیرند و برای نیل به معنویت والا و روشن شدگی درون، که در مکتب‌های بودیسم مهم است، معمولاً دچار مشکل می‌شوند. به نظر می‌رسد که تعلیمات اندک رهروان زن و مورد توجه قرار نگرفتن آن‌ها در جامعه، وقایعی هستند که در یک مسیر دوار همچنان در تاریخ بودیسم تکرار می‌شوند و به سهولت اصلاح نمی‌پذیرند (خاندلوال، ۱۹۹۷: ۹۲). به طور خلاصه می‌توان گفت شکاف بین راهبان تارک دنیا و بوداییان چسبیده به خانه و خانمان در شرف محو شدن است. این تحول، بیشتر برای زن‌ها خوشایند است؛ چرا که فعالیت‌های عادی و روزمره ای چون خانه داری، زناشویی و تولید مثل، که مشغله سنتی زن‌ها در خانه است، از نظر بودیسم سنتی مخرب‌ترین عاملان زندگی دنیوی محسوب می‌شوند. بودیسم نوین که مذهبی غیر رهبانی است، برای زنان از آن رو اهمیت دارد که گرویدن به آن سهل‌تر و جذاب‌تر از بودیسم راهبانه است. بسیاری از زنان، بخصوص در غرب، مذهب یا مکتبی را اختیار می‌کنند که تمام شاخه‌های بودیسم را شامل شود. در حال حاضر، اکثر این زن‌ها نخست تحت تعلیمات کهن آیین بودا قرار می‌گیرند، اما سرانجام با مجوز انجمنی که در آن تعلیم می‌دیدند، یا با اختیار و احساس نیاز درونی خود، به مکتبی که ابتدا به آن معتقد بودند، می‌گروند و برای رهبری کانون و آموزش تعلیم آیین انتخابی فعالیت می‌کنند. حضور قدرتمند زنان تحصیل کرده، تعلیم دیده و فصیحی، بدون اتخاذ هویت مردانه در زمینه آموزش تعلیم بودا فعالیت می‌کنند، در تاریخ فکری و معنوی بودیسم بی سابقه است. مانع چنین تحولی در تاریخ بودیسم، چیزی نبوده جز مردسالاری و قوانین هشت‌گانه. قبلاً، آموزگار شدن زنان تعلیم دیده پدیده‌ای بسیار نادر بود و آن عده اندک هم که در امر آموزش بودند، احتمالاً به دلیل فراهم نبودن شرایط تاریخی در جهت غلبه بر مردسالاری تلاشی نمی‌کردند.

### ۳-۱ زن در دین جاینیزم

در جریان تاریخ سیر مذهب هندونیزم دو دین مبتدع به ظهور رسیدند که به مسئله غامض زندگانی هندوان یعنی نجات از قانون کارما و ورهائی از دولاب دائم السیر تولد و موت پیاپی هریک جداگانه پاسخی اندیشیده و به طریقی دیگران معمای مشکل را حل نموده‌اند. این در دین مبتدع درست در همان موقعی که اندیشه خلل آن مسئله دردماغ هندوان نشات یافته و با وزنی سنگین و نیرویی شدید بر روح آنان فشار می‌آورد ظاهر شدند (کینگ، ۱۹۸۴: ۴۵). آیین جینیزم Jainism فقط در خاک هندوستان پیروان و معتقدین بسیار پیدا کرد و با هرگونه مقاومت و شدت که بر علیه آن بکار رفت در جهان باقی بماند چندان که جینیزم با آنکه بصورت یک مذهب مستقل و دارای مبادی و اصول جوهری درنیامد، معذل هم اکنون در آن سرزمین موجود است و پیروان فراوان دارد. در یکی از متون جینیزم حالت روح عاری این چنین وصف شده است.



روح که از لوث ماده نجات یافته نه بزرگ است و نه کوچک... نه سنگین است نه سبک منزله از جسم و برون از زحمت بعث و رنج رستاخیز به خارج از تماس با مادیات رهبری ولی با همه این‌ها این روح دارای ادراک و علم است رتبه و نظیری برای این حالت نمی‌توان تصور کرد... از این‌رو ارواح کاملاً مستقل و فناپذیر و قائم به ذات می‌باشند. و به قید چیزها از موجودات علوی و مجرد هیچ‌گونه انتظار یاری و برکت نباید داشت زیرا آن‌ها نیز خود محتاج به نجات می‌باشند از این‌رو ارواح انسانی که در دامگاه وجود قرار گرفته اند و در تنگنای عالم جوانان افتاده و در طلب راه فرار و مخرج نجات می‌باشد تا اینکه به سر منزل سعادت و وصال یعنی دمکشاہ برسند باید تنها به عمل و کردار خود متکی شوند. دعا بدرگاه خدایان بوده و بی فایده است. و استعداد و استعداد از بشری با کتابی بی اثر است. آن عهده‌های پنجگانه که هر فرد جاینیزی، در ابتدای ایمان خود به آن نهاد می‌کند این چنین است (لیدلاو، ۱۹۹۵: ۲۵۲).

۱- من از قبل و شروع تمام موجودات دیگر پرهیز خواهم کرد و به آن رضایت نخواهم داد و مانع از آزار آن خواهم شد و تا زنده‌ام این عمل را گناهی بزرگ دانسته و در کردار و گفتار از آن اجتناب خواهم نمود.

۲- من از هر قول و فعلی که منجر به غضب یا حرص یا خوف یا فرح باشد پرهیز می‌نمایم و دروغ نمی‌گویم و دیگران را از دروغ‌گویی منع می‌کنم و به کذب رضا نمی‌دهم.

۳- من از تملک هر چیز که بمن عطا نشده در ده و در شهر و در جنگل خواه کم و خواه زیاد اجتناب مینمایم.

۴- من لذات و شهوات جنسی را بر خود حرام می‌دانم و این کردار را برای دیگران نیز رضا نمی‌دهم.

۵- من از هر علاقه مندی بسیار به اشیاء اعم از جان‌دار، و بی جان خودداری خواهم کرد و برای دیگران نیز این چنین علاقه مادی را نپسندیده رضایت نخواهم داد (لیدلاو، ۱۹۹۵: ۲۵۸). جین‌ها در مورد زنان دو عقیده مختلف دارند بعضی از آنان زنان را در عداد طبقه راهبان قبول کرده و معتقدند که جماعت اناث هم مانند مذکور قابل طی مراحل طریق و وصول به سر منزل فنا (نیروانا) می‌باشند (لزلی، ۱۹۸۳: ۹۱). همانطور که در بخش قانون مانو گفته شد، در قانون‌نامه «مانو»، لفظ «گاندهاروا (Gaand harva)» بر وصلت‌هایی اطلاق شده است که با میل طرفین صورت می‌گرفت و این نوع وصلت‌ها، زاده هوس معرفی شده است. این نوع ازدواج‌ها مجاز بود، ولی پسندیده نبود. از طرفی، آب و هوای گرم و خاص هندوستان باعث بلوغ زودرس دختران جاینیزم می‌شد و این مشکلی بود برای استقرار نظم اخلاقی و اجتماعی. هندی‌ها برای مقابله با این مسئله، ازدواج در طفولیت را انتخاب کرده بودند و این راه توانسته بود باعث جلوگیری از روابط قبل از ازدواج شود. تعدد زوجات در جامعه هند جایز بود و در بین بزرگان تشویق می‌شد؛ زیرا نگهداری از چند زن و انتقال قابلیت‌ها و استعدادها به نسل بعد از خود، یک عمل شایسته محسوب می‌شد. (لزلی، ۱۹۸۳: ۹۴)

جین فقط از فرد می‌خواهد که با یکی از خدایان، به انتخاب خودش، ارتباط عمیقی داشته باشد. اکثر نویسندگان ادبیات مذهبی، غیر برهمن بودند که زنان را نیز شامل می‌شود. طبق آیین جین، فرد برای ارتباط با خدایش راه‌های مختلفی را پیش رو دارد در خانواده‌های سنتی جاینیزم طبق آیین مقدس، زنی که بیوه می‌شد باید موهایش را می‌تراشید، ساری سفید بر تن می‌کرد و زیورآلاتش (گوشواره‌ها، حلقه‌های انگشت پا، انگوها و خال قرمز پیشانی) را که نماد نیکبختی (شوبا) او محسوب می‌شد، از خود دور می‌کرد. زن پس از فوت شوهرش از نظر اقتصادی به پسرانش وابسته بود. در قرون گذشته از جمله زنانی که از آداب و قوانین سنتی بیوه زن‌ها تبعیت نکردند، نام پاندیتا رامابای<sup>۲</sup> (1858-1922) و کامالادوی چتو پادایا<sup>۳</sup> (متولد

<sup>۱</sup>Pandita Rama Pai

<sup>۲</sup>Kamalado Chato Padaya

1903) مشهور است. بیوه شدن پاندیتا (که بعدها به مسیحیت روی آورد) موجب نشد که او از احقاق حقوق خویش صرف نظر کند. کامالادوی مدت کوتاهی پس از ازدواج بیوه شد و سپس با یک نمایش نویس بنگالی به نام هریدراناث چتوپادایابه<sup>۲۴</sup> ازدواج کرد. او در نهضت استقلال طلبی هند نقش فعالی داشته (نارایان، ۱۹۸۹<sup>۲۵</sup>: ۳۳۹)

از آنجا که جامعه جاینیزم ازدواج را نه فقط مربوط به دو نفر، که مربوط به دو خانواده می‌داند، ازدواج مجدد بیوه‌ها مشکلاتی برای خانواده‌ها در بر خواهد داشت. در حالی که ازدواج زنان بیوه در طبقه‌های بالای جامعه کمتر مشاهده می‌شود، این امر در طبقه‌های پایینتر بیشتر پذیرفته شده است. (نارایان، ۱۹۸۹: ۳۴۳)

در جاینیزم به مسئله کشیش یا روحانی بودن زنان (به معنی عالم آیین مذهبی) زیاد توجه نشده است. کمتر زنی علاقه دارد که مراسم مذهبی دسته جمعی را اداره و رهبری کند. زن‌ها برخلاف مردها دوره‌های فراگیری علوم مذهبی را کامل طی نمی‌کنند. به طور کلی، کشیش بودن یک حرفه شایسته محسوب نمی‌شود و مردان برهمن نیز فقط در صورتی که کشیش بودن جزو سنت خانوادگی آن‌ها محسوب شود، به این حرفه روی می‌آورند. معابد که تقریباً به طور کامل تحت اختیار کشیشان و روحانیان مرد است، مرکز اجرای اعمال مذهبی جاینیزم محسوب نمی‌شود. معمولاً مادر از طرف اعضای خانواده عبادت روزانه، پوجا، را به جا می‌آورد. آموزش اعمال مذهبی به کودکان، بیشتر به عهده زن خانواده است. علاوه بر پوجا و مراسم بسیار زیاد دیگر که زن‌ها نقش اساسی در اجرای آن‌ها دارند، مراسمی هم هست که برای سعادت و نیکبختی زنان برگزار می‌شود.

کارهای روزمره راهبه‌ها احتمالاً شامل وقت بیشتری می‌شود که به مطالعه یا کپی برداری از متن اختصاص داده شده است. سرانجام، برای حدود ده سال، Terapanthins طبق سفارش دسته خاصی را تشکیل می‌دهد که منحصرأ شامل زنانی می‌شود که از برخی قوانین (مانند قدم زدن منحصر به فرد با پای پیاده) آزاد می‌شوند و وظیفه اصلی آن‌ها خواندن و نوشتن است (samana śreni: Balbir, ۱۹۸۳: ۴۳-۴۲). این نوآوری بخشی از هدف ادعایی این فرقه برای بهبود شرایط زنان است (اولیول، ۱۹۹۵: ۲۶۸).

هر یک از دو فرقه اصلی جین راهبان و راهبه‌های خاص خود را دارند. راهبان Svetambara از روپوش‌های نازک و سفید استفاده می‌کنند در حالی که راهبان Digambara هر نوع لباس را رد می‌کنند و برهنه یا "آسمان پوشیده" زندگی می‌کنند. راهبه‌های هر دو فرقه لباس دارند. همانطور که این نسخه از خصوصیات یک راهب نشان می‌دهد، راهبان و راهبه‌های جین باید ساده‌ترین و ریاضت‌زین زندگی را داشته باشند (رینل، ۱۹۸۷<sup>۲۶</sup>، ۳۴۱). اولین و مهمترین مسئولیت یک زن غیر روحانی تهیه غذا است که برای راهبان و راهبه‌ها قابل قبول است، اگرچه برای آن‌ها خاص نیست. با توجه به تعداد نسخه‌های رعایت شده، این کار ساده‌ای نیست. وقتی متون متعارف اهدا کننده را توصیف می‌کنند، از جنسیت زنانه استفاده می‌کنند، زیرا، همانطور که یک مفسر اظهار می‌دارد، "او کسی است که بیشتر صدقه می‌دهد" و عالی‌ترین اهدا کننده است (ریان، ۱۹۸۸<sup>۲۷</sup>: ۵۰).

در اینجا لازم به ذکر است که علیرغم این واقعیت که آرمان‌های زهد شدید جینیسیم فقط در زندگی انکار می‌تواند به طور کامل محقق شود، اما زندگی‌های مذهبی غیر روحانی نیز با ریاضت بالا مشخص می‌شود. وظیفه حمایت از این شیوه

<sup>۲۴</sup>Harry's wives

<sup>۲۵</sup>Narayan

<sup>۲۶</sup>Reynell

<sup>۲۷</sup>Ryan

سختگیرانه جین همیشه بر عهده زن خانه است. این اوست که روزه می‌گیرد، مطابق با نیازهای دقیق رژیم غذایی آشپزی می‌کند، از معابد بازدید می‌کند و برای ادای احترام کنار می‌رود. در طی تحقیقات، مشخص شد که حتی راهبه‌ها نیز ایده آل داخلی را چندان ساده نمی‌گیرند، به عنوان مثال در ادعای بی‌رحمانه یک راهبه شوتامبار که ماینا سونداری را دیگر به عنوان یک الگو که توسط زنان جین مورد توجه قرار نگرفت، منعکس کرده است. بنابراین جینیسم به طور مداوم بین مشروعیت بخشیدن به زنان به عنوان عوامل گاردگرایانه صحیح و مستقل و انگیزه مذکر کردن رویه انصراف از مذاکره در این باره را درپیش گرفته است.

جاینیزم، از یک سو، زهد را به عنوان یک گزینه معتبر برای زنان تأیید کرد و از سوی دیگر، زنان را به عنوان ضد این شیوه زندگی درگیر کرد. در این روند، ما با انبوهی از تصاویر که به جهات مختلف می‌کشند روبرو می‌شویم. هیچ کهن الگوی واحدی وجود ندارد اما یک ناهمگنی ایده آل است که به نظر می‌رسد گاهی اوقات ادعاهای زنان در مورد زندگی معنوی مستقل را تأیید می‌کند و در برخی مواقع دیگر این تعقیب را از بین می‌برد. بررسی نقش‌ها و بازنمایی‌های جنسیتی در Jainism بینش بیشتری در مورد نحوه ساختن نقش‌های مذهبی به روش‌های مختلف مذهبی برای زنان و مردان به ما می‌دهد.

### ۳- تحلیل و بررسی پژوهش

روش بررسی این پژوهش از نوع توصیفی - مقایسه‌ای بوده که در این جا به مقایسه بخش‌های مختلف دو دین جاینیزم و بودا می‌پردازیم.

در بودسیم مراسم جهانی به مناسبت تولد و ازدواج در مرگ بودایی وجود ندارد به این معنا که برگزاری این مراسم‌ها از کشوری به کشور دیگر و از سنتی به سنت دیگر متفاوت است در مراسم احترام به بودا زنان نیز حضور دارند با اینکه مراسم‌ها تأثیر چشمگیر در سطح اجتماعی زنان نداشت اما موجب آن شد که زنان نقش فعال‌تر و موثرتری در مراسم‌های مذهبی داشته باشند. در جاینیزم نیز از نظر اجتماعی وجود مراسم‌های مذهبی نیز نتوانست تأثیر چندانی در موقعیت زنان پدید آورد و شدت ثمره آن حضور فعال‌تر و موثر و آنها در مراسم‌های مذهبی بود و آیین جاینیزم و بودا در اصل غیر برهنه هستند بنابراین با تشریفات و اصول برهنه‌ی و ایجاد یک طبقه روحانی در جامعه مخالفت می‌زنند و همچنین همیشه زنان که خدا را پرستش کردند و زیاد در مراسم‌های رسمی حضور ندارند در کشورهای طرفدار و آئین بودا؛ بوداییان پیر و جوان و حتی کودک به مجسمه بودایا به امکان مقدس بودایی گل هدیه داده یا چراغی در آنجا روشن می‌کنند یا می‌سوزانند. در خانواده سنتی جاینیزم طبق آیین مقدس زنی که بیوه می‌شد باید موهایش را میتراشید ساری سفید بر تن می‌کرد و زیور آلاتش را به نماد نیکبختی او محسوب می‌شد از خود دور می‌کرد زن بعد از فوت شوهرش از نظر اقتصادی به پسرانش وابسته بود زنان بیوه در آئین جاینیزم ریاضت می‌کشیدند از نظر اجتماعی در دید مردم جایگاه در خوری نداشتند حضور بیوه زن جایی در جشنها و مراسم اجتماعی و مذهبی نامبارک تلقی می‌شد شرایط به گونه‌ای است که برای زنان بهتر است تا بعد از فوت شوهرشان به جین بپیوندند و اگرچه امروز رسماً جین منسوخ شده است در جامعه بودسیم نیز زنان پس از فوت شوهر فشارهای روانی درونی و بیرونی را تجربه می‌کنند فشار روانی سقوط زندگی تجربه زندگی انفرادی از بین رفتن شبکه روابط اجتماعی با اقوام همسایگان و دیگران در جامعه اطراف آنها زنان بیوه مسائلی چون مراقبت از فرزندان و بزرگترهای خانواده را وظیفه مسلم خود می‌دانند و لذت بردن از زندگی امروز را که شامل تفریحات و سرگرمی‌ها و فعالیت‌های تشریفاتی است را متوقف می‌کند و

نیز از غذاهای سنتی و مدرن که به عنوان تشریفات در نظر گرفته می‌شود از پخت و پز و مصرف در خانه‌های خود و خواندن خارج از خانه اجتناب می‌شود. نکته مشترک در بودا و جاینیزم ازدواج است ازدواج جزء لاینفک زندگی دختران است اگر این ازدواج صورت نگیرد در خانواده جاینیزمی خود با اسباب ازدواج دختران را فراهم کنند در دیدگاه جاینیزمی عروس به خانواده داماد هدیه داده می‌شود در بودا مراسم رسمی برای ازدواج وجود ندارد اما به ازدواج تاکید شده است با این حال با اینکه به زنان بیوه در بودا و جاینیزم فرصت مجدد برای ازدواج را داده است اما ازدواج مجدد به همان اندازه ازدواج اول تلقی نمی‌شود و ازدواج مجدد در زنان طبقه بالای جامعه کمتر مشاهده می‌شود این امر در طبقه جامعه پایین بیشتر پذیرفته شده است اما از لحاظ اجتماعی دردین بودا ازدواج مجدد در تمام طبقات معمول است و در دین جاینیزم به علت دیدگاه کهن جای مشکل وجود دارد اما امروزه منعطف تر شده است.

زنان راهبه در هر دو دین دارای جایگاه احترام هستند و در مکانهای مقدس حضور دارند در حالی که راهبان و راهبه‌های پیرو جین باید ساده‌ترین و ریاضت‌ترین زندگی را داشته باشند اما در دین بودا به این شدت نبود و زنان مانند همتای مرد به تبلیغ تعلیم و انجام مناسک و مراسم می‌پرداختند اما در بودسیم به عنوان مرید بودا هم مورد تشویق قرار نگرفتند این تناقض‌های فاحش میان آموزه‌های دینی از نقاط ضعف این تعالیم دانسته می‌شود که از یک آموزه و محکم و منسجم در قابل انطباق با دوره‌های بعد جامعه برخوردار نبود و تاثیرپذیری زیادی از فرهنگ جامعه دارد که به تناسب هر دوره این احکام کمرنگ و پررنگ می‌شود.

اولین و مهمترین مسئولیت یک زن غیر روحانی تهیه غذا و همسراری است آیین جاینیزم تا حدی خوشبختی و بدبختی یک زن را منوط به این مسئله می‌داند و بر انجام این امر بر خلاف تمایل دیگران یا به سخره گرفتن توسط دیگران روزه داری موجب پاکی درونی او می‌شود و از این چنین زنی به عنوان عزت خانواده مطرح می‌شود اما در بودا زنان در حوزه گسترده‌تری فعال هستند آنها با معابد رابطه نزدیکی دارد و از معابد و صومعه‌ها حمایت مادی و اقتصادی می‌کند و با انجام فعالیت‌های تمیز کردن و غبارروبی محل تصاویر بودا تزئین گل‌ها آموزش و کمک به جشن‌ها و غیره می‌پردازند. زنان غیر روحانی در بودا و جاینیزم با راهبه رابطه نزدیکتری دارند در جاینیزم از زنان غیر روحانی اسطوره‌های بیشتر و داستان‌های زیادی نوشته شده‌اند اما در بودسیم این چنین نیست.

در جین عفت زنان به این معنی است که زن خودش را حفظ کند و تسلیم تمایلات نفسانی نشود و برای مقابله با آن عمل مجرد را انجام دهد تا به موکسه برسد. زنان راهبه مظهر پاکدامنی هستند زیرا این زنان تا آخر عمر در مجرد زندگی می‌کنند و از نظر جینیسیم این مسئله ارزش است و دینداری زنان در نقش زنان خانه‌دار تاکید کرده است و به همین دلیل از راهبان باتقوا مادران تیرتانکار به خاطر تعهدشان و ایمان به آیین جاینیزم تجلیل می‌شود و از آنها به عنوان مبارزان فعال جینیسیم یاد می‌شود دلیل استفاده از این عنوان به این خاطر است که مادران تیرتانکار ارزش‌های جین را در فرزندان که نسل آینده جین هستند می‌آموزند زن عقیف در آیین جاینیزم زنی است که وظایف مادری و خانه داری خود را به خوبی انجام دهد. روزه میگیرد و برای نیاز غذای خانواده آشپزی می‌کند از معابد بازدید کرده و در مقابل راهبه به او احترام می‌گذارد و کنار می‌رود در آیین بودا عفاف و با پاکی جنسی یکسان است و از این منظر با جاینیزم برابر است پاکی جنسی به معنای نداشتن هیچ رابطه جنسی قبل از ازدواج و وفاداری به همسر بعد از مرگ یا در طول ازدواج است.

#### ۴- نتیجه گیری

پارسائی در ادیان بیشتر ریشه در متون و آموزه های آن دین دارد؛ کتاب های ادیان بزرگ اغلب از فریبندگی لذت های دنیا و کشش های دنیوی و ناپایدار بودن لذائد گفته اند و بالطبع افرادی با اهمیت به این آموزه ها به ترک دنیا و زهدورزی روی آورده اند. که در این میان حضور و اشتیاق زنان را نیز شاهد هستیم که همه در راستای زندگی زاهدانه ی هم در سبک زندگی سیدارتا می باشد. و اینگونه هست که زنان نیز در راستای عملی ساختن بنیان های اعتقادی و عرفانی شان زندگی زاهدانه را پیشه ساختند و رهبانیت جایگزین را با یک دسته اعمال، آداب و اصولی مانند: دیرنشینی، عزلت، خلوت، تجرد، سکوت، ریاضت، عفت و نیایش بنیان نهادند که نمونه های آن را میتوان با اندک تفاوت در رهبانیت سنتهای دیگر از جمله سنت بودایی مشاهده نمود. رهبانیت در دین بودایی نیز برخاسته از تعالیم بودا به مریدانش هست و چنان که تعریف آن گذشت به نوعی جنبش دینی گفته می شود که پیروان آن موظف اند از برنامه های ویژه برای زیستن و عبادت پیروی کنند؛ چنان که در ادیان توحیدی و غیر توحیدی، به گونه های خاص با ویژگیهای متفاوتی مشاهده میشود، تا آنجا که سنت رهبانی در یک دین نیز ممکن است ساختارهای متنوعی داشته باشند.

منابع :

1. Alsdorf, Ludwig. 1974. "Vantam Apatum." In *Kleine Schriften*. Wiesbaden: Franz Steiner Verlag. pp 178-185.
2. Babb, Lawrence A. 1986. *Redemptive Encounters: Three Modern Styles in the Hindu Tradition*. Berkeley, CA: University of California Press. pp 1-257.
3. Balbir, Nalini. 1994. "Women in Jainism." In *Women and Religion*, ed. Arvind Sharma. Albany, NY: State University of New York Press. pp 121-138.
4. Bartholomeusz 1994. *Women Under the Bo Tree*. Cambridge: Cambridge University Press. pp 1-284.
5. Bartholomeusz, Tessa. 1985. "The Female Mendicant in Buddhist Sri Lanka." In *Buddhism Sexuality and Gender*, ed. Jose Ingocia Cabezon. Albany, NY: State University of New York Press. pp 37-64.
6. Bartholomeusz. 1999. "Fistfights in the Monastery: Calendars, Conflict, and Karma among the Jains." In *Approaches to Jaina Studies: Philosophy, Logical, Rituals Symbols*, eds N. K. Wagle and O. Qvarnström. University of Toronto: Center for South Asian Studies. pp 36-59.
7. Bartholomeusz. 2001. *Jains in the World: Religious Values and Ideology in India*. New York: Oxford University Press. pp 1-288.
8. Bruhn, Klaus. 1981. "Avafyaka Studies I," in Klaus Bruhn and Albrecht Wezler (eds) *Studien zum Jainismus and Buddhismus*, Wiesbaden: Franz Steiner Verlag. pp 40-44.
9. Cort, John E. 2001a. *Jains in the World*, New York: Oxford University Press. pp 1-267.
10. Cort, John E. 2001b. "The Intellectual Formation of a Jain Monk: A Fvetambara Monastic Curriculum," *Journal of Indian Philosophy*. M. WHITNEY KELTING 206. 29: 327-349.
11. Cort, John E. 1993. "An overview of the Jaina Purajas," in Wendy Doniger (ed.) *Puraja Perennis: Reciprocity and Transformation in Hindu and Jaina Texts*, Albany, NY: State University of New York Press. pp 185-206.
12. Cort, John. 1991. "The Fvetambar Murtipujak Jain Mendicant." *Man in India* (N.S.). SHERRY E. FOHR 178. 26: 651-671.
13. Denton, Lynn Teskey. 1991. "Varieties of Hindu Female Asceticism." In *Roles and Rituals for Hindu Women*, ed. Julia Leslie. Rutherford: Fairleigh Dickinson University Press. pp 211-231.
14. Dundas, Paul. 2002. *The Jains*, London: Routledge. pp 1-354.
15. Falk, Nancy. 1980. "Case of the Vanishing Nuns." In *Unspoken Worlds*, ed. Nancy Falk and Ritam Gross. San Francisco, CA: Harper and Row Pub. pp 207-224.
16. Flügel, Peter. 1994. *Askese und Devotion: Das rituelle System der Terapanth Svetambara Jains*, PhD Dissertation, Johannes, Johannes Gutenberg-Universität, Mainz. pp 1-1250.
17. Flügel, Peter. 2003. "The Codes of Conduct of the Terapanth Samaj order." *South Asia Research* 23 (1): 7-53.

18. Fohr, Sherry E. 2001. *Gender and Chastity: Female Jain Renouncers*. PhD dissertation, University of Virginia. pp 1-120.
19. Gutschow, Kim. 2001. "Women Who Refuse to be Exchanged." In *Celibacy, Culture and Society*, ed. Elisa Sobo and Sandra Bell. Madison, WI: The University of Wisconsin Press. pp 47-64.
20. Jain, Babulal, ed. 1999. *Samagra Jain Caturmas Suci*. Mumbai: Jain Ekta Mahamajdal. pp 1577-1656.
21. Kamkumaranda. 1998. *Ten Universal Virtues*. Dehradun: Vikalp Printers.
22. Kane, P. V. 1941-1974. *History of Dharmashastra*. Poona: Bhandarkar Oriental Research Institute.
23. Kelting, Whitney. 2001. *Singing to the Jinas*. New York: Oxford University Press.
24. Khandelwal, Meena. 1997. "Ungendered Atma, Masculine Virility and Feminine Compassion: Ambiguities in Renunciant Discourses on Gender." *Contributions to Indian Sociology* (N.S.) 31 (1): 79-107.
25. Laidlaw, James. 1995. *Riches and Renunciation*. Oxford: Clarendon Press.
26. Leslie, Julia. 1983. "Essence and Existence: Women and Religion in Ancient Indian Texts." In *Women's Religious Experience*, ed. Pat Holden. Totowa, NJ: Barnes and Noble Books. pp 89-112.
27. Narayan, Kirin. 1989. *Storytellers, Saints, and Scoundrels*. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press.
28. Olivelle, Patrick, ed. 1995. *Rules and Regulations of Brahmanical Asceticism*. Albany, NY: State University of New York Press.
29. Ryan, James. 1988. "Erotic Excess and Sexual Danger in the *Civakacintamaji*." In *Open Boundaries*, ed. John E. Cort. Albany, NY: State University of New York Press. pp 41-59.
30. Sinclair-Brull, Wendy. 1997. *Female Ascetics*. Richmond: Curzon.
31. Valley, Anne. 2002. *Guardians of the Transcendent*. Toronto: University of Toronto Press.
32. Zydenbos, Robert J. 1999. "The Ritual giving of Food to a Digambara Renunciant." In *Approaches to Jaina Studies: Philosophy, Logical, Rituals Symbols*, ed. N. K. Wagle and Olle Qvarnström. University of Toronto: Center of South Asian Studies. pp 291-303.